

Application of Causal Layered Analysis (CLA) in Analyzing the Dysfunction of Political Parties in Iran (1966-2021)

Zohra Hemmati¹, Hossein Massoudnia², Farhad Darvishi Se Talani³

¹ Ph.D., Student, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. z.hemmati1421@ase.ui.ac.ir

² Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

³ Professor, Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. f.darvishi@soc.ikiu.ac.ir

Abstract

The primary objective of this research is to address the central question of which factors, and with what coordinates, have been influential in the decline in quality and dysfunction of political parties in Iran over the past century (from the inception to the present). In this regard, by employing the Causal Layered Analysis (CLA) method, the research findings demonstrate that the institutionalization of factionalism and, consequently, the lack of efficiency and effectiveness in party activities in Iran cannot be attributed to a single tangible factor. Instead, it should be understood as rooted in factors that extend deeply into Iranian society's mental, conceptual, systematic, and objective layers from ancient times to the present. Along this path, stabilizing the pattern of party competition, transforming the party pattern and organization, strengthening the culture of participation and collectivism, and presenting alternative narratives are among the solutions that can play a role under the attention of the ruling body and party activists, in improving and enhancing the quality of party activities in the country.

Keywords: Party, Factionalism, Causal Layered Analysis, Iran, Political Parties.

Received: 2021-04-27 ; Received in revised form: 2021-05-26 ; Accepted: 2021-06-15 ; Published online: 2021-06-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.528931.1693>

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



کاربست روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

در تحلیل کژکارکردی احزاب سیاسی در ایران (۱۲۸۵-۱۴۰۰)

زهره همتی^۱، حسین مسعودنیا^۲ ID، فرهاد درویشی سه تلانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

z.hemmati1421@ase.ui.ac.ir

^۲ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

^۳ استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. f.darvishi@soc.ikiu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش اصلی است که چه عواملی، و با چه مختصاتی در کیفیت نازل و کژکارکردی حزب در ایران در طی یک سده گذشته (از آغاز شکل‌گیری تاکنون) تأثیرگذار بوده‌اند؟ در این راستا، و با کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها^۲، یافته‌های پژوهش نشان داد که نهادینه نشدن حزب و به تبع آن فقدان کارایی و اثربخشی فعالیت حزبی در ایران را نه در یک عامل عینی و مشخص، بلکه مبتنی بر روش تحلیل لایه‌ای علی باید در مجموعه عواملی دانست که در لایه‌های عمیق ذهنی، معناشناختی، سیستماتیک و عینی جامعه ایران از گذشته‌های دور تاکنون ریشه دارند. در این مسیر، تثبیت الگوی رقابت حزبی، تحول در الگو و سازمان حزبی، تقویت فرهنگ مشارکت و جمع‌گرایی و طرح روایت‌های بدیل، از جمله راه‌حل‌هایی هستند که می‌توانند تحت توجه هیئت حاکمه و همچنین فعالان عرصه حزب، در بهبود و ارتقاء کیفی فعالیت‌های حزبی در کشور نقش داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: حزب، حزب، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، احزاب سیاسی.

پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری با عنوان «بررسی وضعیت احزاب سیاسی ایران و سناریوهای احتمالی پیش روی آن در افق ۱۴۱۴»، ارائه شده در گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان است.

استاد به این مقاله: همتی، زهره؛ مسعودنیا، حسین؛ درویشی سه تلانی، فرهاد (۱۴۰۲). کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در تحلیل کژکارکردی احزاب سیاسی در ایران (۱۲۸۵-۱۴۰۰). *سیاست متعالیه*، ۱۱(۴۰): ص ۱۴۱-۱۶۲. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.528931.1693>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه

2. Causal-Layered Analysis (CLA)



۱. مقدمه

تلاش در جهت نهادینه کردن تقاضاهای سیاسی برای ورود به عرصه قدرت و تصدی آن، اگر در قالب فردی و یا گروه‌های غیرمنسجم صورت پذیرد، به طور قطع نوعی آشفتگی سیاسی را به دنبال خواهد داشت؛ به نحوی که نتیجه آن جز ناامنی چیز دیگری نخواهد بود. برای احتراز از این وضعیت، امروزه تشکل حزبی مورد توجه عالمان و عاملان سیاسی قرار گرفته و مشاهده می‌شود که در بسیاری از کشورها، قانون احزاب تدوین و به اجرا گذارده شده است (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۴۶). در ایران نیز، با آغاز مشروطه و شکل‌گیری مجلس، احزاب نیز به عنوان یکی از لوازم آن ظاهر شدند. از مجلس دوم تا ششم (پیش از به سلطنت رسیدن رضاشاه) گروه‌ها، انجمن‌ها و جمعیت‌های کوچک به احزاب جدی تبدیل شدند و اهداف خود را در قالب مرامنامه بیان کردند (نوذری، ۱۳۸۰: ص ۴۸). اما در دوره پهلوی اول، شاهد کاهش چشمگیر فعالیت احزاب هستیم و استبداد حاکم بر این دوره اجازه فعالیت به احزاب را نمی‌داد. در دوره پس از سقوط رضاشاه، یعنی بازه زمانی ۱۳۳۲-۱۳۲۰، بدنبال فضای باز سیاسی ایجاد شده در سایه فعالیت احزاب رونق می‌گیرد و جریان‌های لیبرالی، مذهبی، و چپ در این دوران نقش پررنگی را ایفا می‌کنند که با سرکوب دولت مصدق و استبداد حکومت پهلوی دوم و ایجاد احزاب وابسته به سلطنت رونق خود را از دست داد (تبریزیا، ۱۳۷۷: ص ۶۵). سر انجام با فروپاشی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی فصل نوینی از فعالیت احزاب در کشور آغاز شد.

نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی خاص و دارای جایگاه ویژه در جهان، باید به تقاضای رو به افزایش مشارکت سیاسی شهروندان خود پاسخ داده و آنها را به شکلی قانونمند و نهادینه مرتفع سازد (علیخانی، ۱۳۷۷: ص ۱۳). به‌رغم اذعان به ضرورت وجود نهاد حزب در حیات سیاسی کشور، تاریخچه تحزب در ایران در دوران‌های مختلف پیش و پس از انقلاب اسلامی، حاکی از عدم نهادینه شدن سازوکار حزب، ضعف فعالیت‌های سیاسی حزبی و بنابراین غیبت کارایی مورد انتظار از این نهاد است. پژوهش حاضر درصدد رمزگشایی از این مسأله برآمده، مبنی بر اینکه عدم نهادینه شدن تحزب در ایران و بالتبع ناکارآمدی این نهاد، متأثر از چه علل یا عواملی بوده است. بدیهی است که کاربست روش‌های علمی و نوین می‌تواند در پاسخ به این مسأله مؤثر واقع شود در همین راستا از روش تحلیل لایه‌ای علی، برای ترسیم فضای فعالیت حزبی در ایران و در ادامه پاسخ به مسأله مبتلابه پژوهش استفاده شده است.

در آثاری که به ویژه در ارتباط با احزاب سیاسی به رشته تحریر درآمده‌اند، تأکید بسیاری بر توصیف حزب و پیشینه آن شده است و محدود آثاری وجود دارند که با نگاه تحلیلی و مطالعه موردی به بررسی و تعمیق

وضعیت فعالیت حزبی در کشورهای مختلف و از جمله ایران پرداخته باشند. به ویژه از این منظر که کاربرد روش‌های نوین در تبیین این مقوله و انجام یک مطالعه عمیق می‌تواند تحلیلی جامع و همه‌جانبه‌نگری ارائه دهد. در همین راستا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که براساس روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، عوامل مؤثر بر فعالیت احزاب سیاسی در ایران کدامند؟ سؤالات فرعی که در این زمینه مطرح می‌شوند عبارتند از: چگونه می‌توان از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در تبیین مسائل سیاسی استفاده کرد؟ کیفیت و میزان حضور و مشارکت سیاسی احزاب ایران در دوره‌های مختلف تاریخی این کشور چگونه بوده است؟ عوامل مؤثر در خصوص فعالیت سیاسی حزبی در عرصه سیاست ایران دارای چه مختصات و ویژگی‌هایی هستند؟ چنین به نظر می‌رسد که با توجه به منطقی روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، عوامل مؤثر بر کمیت و کیفیت نهاد حزب و فعالیت حزبی در ایران را نه در یک عامل عینی و مشخص، بلکه در مجموعه عواملی باید جستجو کرد که در لایه‌های عمیق ذهنی، معناشناختی، سیستماتیک و عینی ایران ریشه دارند.

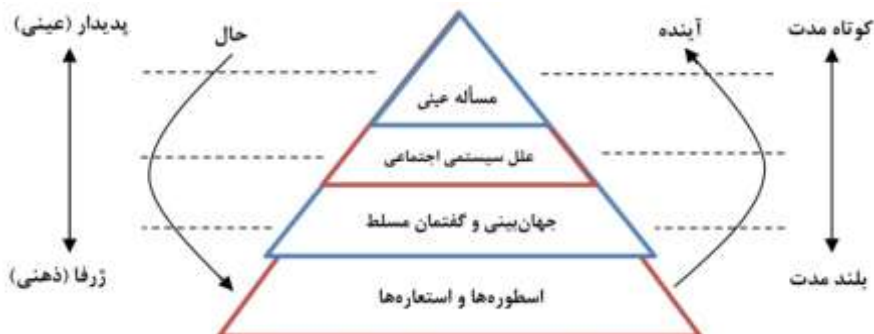
۲. چارچوب روشی: تحلیل لایه‌ای علت‌ها

برای جمع‌آوری اطلاعات در قسمت ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق، از روش مطالعه اسنادی و رجوع به مدارک علمی، تخصصی، اطلاعاتی، کتابخانه‌ای و الکترونیکی استفاده شده و در قسمت اصلی تحقیق، از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها استفاده شده است.

روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها اولین بار توسط سهیل عنایت‌الله^۱ در سال ۱۹۹۸ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل لایه‌ای علت‌ها: فراساختارگرایی به‌مثابه روش» در مجله فیوچرز^۲ مطرح شد (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ص ۱۷۴). به اعتقاد جیمز دیتور، روش عنایت‌الله نخستین روش و نظریه جدید آینده‌پژوهی از زمان معرفی روش دلفی است (Dator, 2002). به‌زعم عنایت‌الله، روش تحلیل علی لایه‌ای حاصل تلفیق سه نوع آینده‌پژوهی تجربی، تفسیری و انتقادی است (Inayatollah, 2007: p. 6). بنابراین، در تحلیل دیدگاه‌ها، به دو بعد افقی و عمودی توجه داشت. به این ترتیب که در بعد افقی به بررسی تفاوت دیدگاه‌ها درباره صورت مسأله، راه‌حل آن و مسئول حل آن پرداخته شده و در بعد عمودی، ریشه‌های عمیق هر یک از دیدگاه‌ها بررسی می‌شود.

1. Sohail Inayatullah

2. Futures



شکل ۱- فهم عمودی تحلیل لایه‌ای علت‌ها (Inayatollah, 2008: p.37)

هر کدام از این لایه‌ها را با یک چارچوب معرفت‌شناسی^۱ می‌توان شناخت (Inayatollah, 2004). همانطور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، با حرکت از لایه مسأله عینی به سمت لایه اسطوره‌ها و استعاره‌ها کسب شناخت، بلندمدت‌تر و درجه ذهنی بودن آن بیشتر می‌شود. لایه‌های مختلف در این روش عبارتند از:

● **لایه مسأله عینی^۲ (لیتانی):** در لایه لیتانی، مسأله عینی مطرح بوده که برای همه پذیرفته شده است. در واقع این لایه تفسیر رسمی از واقعیت است که معمولاً مورد پرسش قرار نمی‌گیرد. لایه لیتانی مشهودترین و آشکارترین لایه است و درک آن نیاز به توانمندی‌های تحلیلی اندکی دارد (Inayatollah, 2008: p.8).

● **لایه علل سیستمی اجتماعی:** لایه دوم به نظام‌ها و علل اجتماعی توجه دارد که شامل علل اجتماعی، فناوریانه، اقتصادی، فرهنگ محیطی، سیاسی و ارزش‌ها است. در این لایه تفاسیری برای داده‌های کمی ارائه می‌شود. تحلیل‌ها دقیق‌تر و جزئی‌تر بوده و توضیحات فنی و تحلیل‌های آکادمیک، پذیرفتنی‌تر هستند. نقطه تعالی این تحلیل‌ها، تبیین علمی و فنی رخداد‌های آینده است. نقش دولت و دیگر کنشگران و ذی‌نفعان در این لایه تبیین می‌شود. داده‌ها معمولاً مورد پرسش و بررسی قرار می‌گیرند، ولی زبان سوال، پارادایمی که موضوع مورد بحث را چارچوب‌بندی کرده است را به چالش نمی‌کشد (Inayatollah, 2008: p. 8).

● **لایه جهان‌بینی و گفت‌وگو^۳:** گفت‌وگوها، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های متفاوت، توصیفات متفاوتی از لیتانی ارائه می‌دهند. لایه عمیق‌تر سوم ناظر بر فهم ساختار، جهان‌بینی و گفت‌وگوانی است که نه تنها از دعاوی

1. Epistemology

2. Objective problem layer (litany)

3. Layer of worldview and discourse

معرفتی مرتبط با آینده پشتیبانی می‌کند، بلکه به این دعای مشروعیت می‌بخشد (Inayatollah, 2008: p. 8) و به علت‌های اجتماعی به‌وجود آورنده دو لایه اول و دوم شکل می‌دهند (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ص ۱۵). در این لایه بنیان‌ها و متغیرهای موثر در شکل‌گیری مسأله عینی مورد پرسش واقع می‌شوند (کشاورز ترک، ۱۳۹۱: ص ۴).

● **لایه اسطوره‌ها، استعاره‌ها و روایت‌ها:**^۱ در این لایه عمیق‌ترین روایت‌ها، طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی شکل‌دهنده به مسئله، مورد کنکاش قرار می‌گیرند. این روایت‌ها، طرح‌واره‌ها و تصاویر، نه‌تنها در اندیشه، بلکه در احساس افراد ریشه دارند. در این لایه، زمینه‌های تمدنی شکل‌دهنده به گذشته، حال و آینده بازنمایی می‌شوند (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ص ۱۷۶).

سطوح افقی: محورهایی که در سطوح افقی مورد بررسی قرار می‌گیرند، بدین شرح ذیل می‌باشند: شناسایی مسأله (مشکل چیست؟)، راه‌حل مرتبط (راه‌حل چیست؟)، اشخاص مرتبط (چه کسی می‌تواند مشکل را حل کند؟)، منبع اطلاعات مسأله (مشکل و راه‌حل آن در چه بافتی قرار می‌گیرد؟). در ادامه ضمن مرور سابقه و پیشینه تاریخی مقوله تحزب در ایران در دوران پیش و پس از انقلاب اسلامی تاکنون، کاربست روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در تحلیل عوامل مؤثر در فعالیت حزبی در ایران، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. پیشینه تاریخی شکل‌گیری تحزب در ایران

۳-۱. پیدایش احزاب

شناخت و تفکیک برداشت‌های گوناگون و متضاد از یک مفهوم و نیز گشایش یک دریچه نظری، دو نکته اساسی هستند که بررسی پیشینه تاریخی شکل‌گیری یک مفهوم را با اهمیت می‌کنند. به طور کلی در منابع مختلف سه نگرش عمده و مهم در پیدایش احزاب مطرح شده است:

۳-۱-۱. **نگرش نهادی:** در این نگرش که موریس دوورژه^۲ چهره برجسته آن است، رشد و توسعه احزاب سیاسی همزمان با شکل‌گیری نهاد پارلمان و انتخابات در نتیجه گسترش حق رأی و ادغام دو فرایند تشکیل کمیته‌های انتخاباتی (در بیرون از مجلس) و اشتراک نمایندگان در آراء سیاسی موجد گروه‌های پارلمانی حول

1. The layer of myths, metaphors and narratives

2. Maurice Duverger

منافع مشترک (درون مجلس) بوده است (دوورژه، ۱۳۵۷: ص ۲۳۵).

۳-۱-۲. نگرش تضاد طبقاتی: این دیدگاه احزاب را محصول مبارزه مستمر میان بورژوازی و طبقه کارگر می‌داند. این نگرش نخستین بار توسط کارل مارکس و فردریش انگلس^۱ در مانیفست حزب کمونیست عنوان شد. از این منظر تضادهای میان دو طبقه مذکور پیدایش اتحادیه‌های کارگری، تشکیلات سیاسی و در نهایت احزاب سیاسی را به دنبال خواهد داشت (نقیب‌زاده و سلیمانی، ۱۳۸۸: ص ۳۴۹).

۳-۱-۳. نگرش نوسازی: در این نگرش اقتصاد مبتنی بر بازار، طبقات اقتصادی پیشتاز و پویا، رشد پر شتاب ارتباطات، گسترش آموزش و پرورش، رشد شهرنشینی، رشد فزاینده روند جدایی دین از سیاست و غیره از جمله فاکتورهایی هستند که در عرصه نوسازی مطرح شده و در شکل‌دهی به احزاب سیاسی مؤثر بوده‌اند (نوذری، ۱۳۸۰: ص ۶۵).

۳-۲. پیشینه تاریخی احزاب

حزب سیاسی، به شکل‌های گوناگون عنصری از میراث غرب است که تقریباً در کلیه کشورهای رو به توسعه، پذیرفته شده است. در واقع، حزب زمانی شکل گرفت که جامعه غرب از سوی از سنت گسسته بود و از سوی دیگر، فرهنگ مدرنیته به طور کامل شکل نگرفته بود و حزب در جهت پر کردن شکاف‌های اجتماعی ظهور یافت (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵: ص ۱۷۳). نخستین مرکز ظهور و رشد سیستم حزبی در قرون جدید در انگلستان بوده است. نظام حزبی از قرن ۱۸ میلادی در بریتانیا برقرار است و گروه‌های سیاسی بر مبنای آن سازمان‌دهی می‌شوند و هر کدام از آنها با اظهار سیاست‌های خود در حوزه انتخاباتی متبوع، سعی در جلب آراء دارند (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵: ص ۱۷۴). با توجه و تدقیق در تاریخ سیاسی معاصر غرب که با رویکرد مغرب زمین به مدرنیسم، تمامی ابعاد زندگی اروپائیان دچار تغییر شد، یکی از مهم‌ترین پیامدهای این فرایند دگرگونی در فرهنگ سیاسی مردم و نیاز جامعه به شکل‌گیری احزاب بوده است. در حالی که در ایران معاصر، به نظر می‌رسد عوامل دیگری نیز دخیل بوده‌اند. موضوعی که با مرور پیشینه شکل‌گیری تحزب در ایران، با وضوح بیشتری نمایان می‌شود.

۳-۳. ورود اندیشه تحزب به ایران

در کشور ایران نیز با آغاز مشروطه و شکل‌گیری مجلس، احزاب ظاهر شدند. به طور کلی از مجلس دوم

1. Karl Marx & Friedrich Engels

تا ششم گروه‌ها، انجمن‌ها و جمعیت‌های کوچک به احزاب جدی تبدیل شدند و اهداف خود را در قالب مرامنامه بیان کردند (نوذری، ۱۳۸۰: ص ۵۱). اما در دوره پهلوی اول، شاهد کاهش چشمگیر فعالیت احزاب هستیم و استبداد حاکم بر این دوره، اجازه فعالیت به احزاب را نمی‌داد. در بازه زمانی ۱۳۳۲-۱۳۲۰، در پی ایجاد فضای باز سیاسی ناشی از برکناری پهلوی اول و عدم تثبیت قدرت محمدرضا شاه، فعالیت احزاب رونق می‌گیرد و جریان‌های لیبرالی، مذهبی، و چپ در این دوران نقش پررنگی را ایفا می‌کنند که با سرکوب دولت مصدق و استبداد حکومت پهلوی دوم و ایجاد احزاب وابسته به سلطنت، رونق خود را از دست داد (تبریزیا، ۱۳۷۷: ص ۶۵). سرانجام با فروپاشی نظام شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی فصل نوینی از فعالیت احزاب در کشور آغاز گردید.

گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی بعد از انقلاب را می‌توان در سه دوره زمانی بررسی کرد: نخست، از پیروزی انقلاب اسلامی تا انحلال حزب جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۶)؛ دوره دوم، از انحلال حزب جمهوری اسلامی تا دوم خرداد ۱۳۷۶؛ و دوره سوم، بعد از خرداد ۱۳۷۶ تاکنون (ناظری، ۱۳۸۲: ص ۳۶). چنانکه از دسته‌بندی مذکور برمی‌آید، چنین به نظر می‌رسد که تحولات سیاسی ایران در طول تاریخ، نقش مهمی در ورود اندیشه تحزب به ایران و در نهایت شکل‌گیری احزاب سیاسی داشته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ۳۷). به طور کلی بعد از سال ۱۳۷۷، احزاب در ایران وضعیت جدیدی پیدا کرده و پس از پشت‌سر گذاشتن دوران‌های مختلف، به وضعیت بلوغ و تأثیرگذاری رسیدند. از این‌رو، در این دوران، احزاب و گروه‌های سیاسی متعدد و متنوع رشد کردند و نقش نسبتاً فعالی نیز در عرصه سیاسی- اجتماعی کشور ایفا کردند؛ گرچه همچنان، عرصه مهم و اساسی تجلی نقش احزاب در انتخابات دیده می‌شود، اما در دیگر زمینه‌ها نیز فعالیت‌هایی را به ثمر رساندند. لازم به ذکر است که از این زمان به بعد است که احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف کشور، ذیل دو جریال اصلی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب سازماندهی شدند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت براساس لایه‌های مطرح در روش تحلیل لایه‌ای، به ترتیب مختصات فعالیت حزبی در ایران در هر لایه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴-۱. لایه لیسانی

در لایه لیسانی مسأله عینی مطرح بوده که برای همه پذیرفته شده است. پیدایش و تکوین احزاب سیاسی در ایران، سرنوشتی غم‌انگیز داشته است؛ زیرا هیچ‌گاه احزاب و تشکل‌های سیاسی، فرصتی برای تکامل سازمانی

و فکری در هیچ برهه‌ای نیافته‌اند. در شکل (۲) مسأله مطرح در این لایه با اشاره به چالش مطرح در ارتباط با فعالیت احزاب نمایش داده شده است.



شکل ۲- وضعیت احزاب در لایه لیتانی (مسعودنیا، ۱۳۸۲: ص ۱۴۵-۱۴۹)

۴-۲. لایه سیستمی اجتماعی

همانطور که پیشتر بیان شد، در لایه دوم روش تحلیل لایه ای علت‌ها، موسوم به لایه سیستمی اجتماعی، مقولاتی چون نظام‌ها و علل اجتماعی شامل علل اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، فرهنگ محیطی، سیاسی و ارزش‌ها در تحلیل مسئله (مطرح شده در لایه لیتانی) مورد توجه قرار می‌گیرد. در این راستا با اتکاء بر تحلیل‌های دقیق‌تر و جزئی، نقش عوامل مختلف در ایجاد و تداوم مسئله مبتلابه پژوهش -که در اینجا کژکارکردی احزاب سیاسی کشور است- مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای تبیین علل عدم نهادینه شدن فعالیت‌های حزبی، عوامل متفاوتی از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده است؛ از جمله، نقش فرهنگ سنتی، اعتقادات مذهبی و نهادهای وابسته به آن، بینش اجتماعی ایرانیان و ارجحیت فردگرایی بر تصمیمات جمعی، نقش احزاب دستوری، فقدان تجربه در مشارکت سیاسی، تمرکز و غیرفدرالی بودن حکومت، عدم تقارن توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی، عدم ایجاد سرمایه‌داری، عدم تشکیل یک جامعه مدنی و غیره که تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی این مملکت را از دیرباز تحت تأثیر خود قرار داده‌اند (سلامتی، ۱۳۸۵:

ص ۹-۱۱). در ادامه جهت ارائه تبیین روشن‌تر، عوامل مؤثر در عدم نهادینه شدن فعالیت حزبی در ایران به ترتیب تشریح شده است.

علل سیستمی

عوامل نهادی

عوامل اجتماعی فرهنگی

عوامل اقتصادی

عوامل سیاسی

شکل ۳- عوامل تأثیرگذار بر فعالیت حزبی در لایه سیستمی

۴-۲-۱. عوامل سیاسی

۴-۲-۱-۱. تجربه استبداد: مشروطیت نخستین گام در راه ایجاد حکومت نوین در ایران بر پایه مشروعیت مدرن بود. با وجود این، پهلوی اول اقتدار خود را با سازوکار خودکامگی کسب می‌کرد. این خودکامگی وی را قادر ساخت تا برنامه اصلاحات نظامی، آموزشی و اقتصادی را به اجرا درآورد. مشخصاً فقدان نهادهایی که شالوده جوامع مدنی مدرن را تشکیل می‌دهند، به این معنا بود که هیچ‌گونه تعادل خودبه‌خودی در برابر رشد قدرت دولتی فراتر از دیکتاتوری اقتدارگرا نمی‌تواند وجود داشته باشد و طبیعتاً خبری از تشکّل‌های حزبی و جامعه مدنی نخواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ص ۳۸۲). اما در دوره پهلوی دوم، به ویژه در جهت پاسخگویی به بحران‌های مشارکت و مشروعیت نظام، مبادرت به ایجاد احزاب دولتی^۱ می‌شود که در ارتباط مستقیم با شخص شاه و متکی بر حمایت شبکه‌های شخصی بودند تا ملت و سازمان‌های رسمی (صارمی شهاب، ۱۳۷۸: ص ۱۶۳-۱۶۴). به این ترتیب احزاب به جای نقد اقدامات و عملکرد نظام حاکم، به توجیه و تفسیر برنامه‌های وی و حتی تمجید آن می‌پردازند، موضوعی که حتی پس از انقلاب و تشکیل احزاب غیردولتی (به دلیل وابستگی‌های متنوع احزاب به دولت) کماکان ادامه یافته و مواضع احزاب در نقد دولت‌ها نبوده است (مسعودنیا، ۱۳۸۲: ص ۱۴۸). توضیحات فوق دیگر عناصر مؤثر در ناپایداری احزاب در ایران را معرفی می‌کند:

۴-۲-۱-۲. سرکوب احزاب: یکی از عوامل ناکامی احزاب در ایران، سرکوب آنان توسط دولت‌ها بوده است. در واقع بیگانه‌پنداری متقابل حکومت و احزاب در ایران، که سبب تضعیف قدرت سیاسی برای اعمال برنامه‌های خود می‌شود، منجر به تحریک آن در به‌کارگیری ابزارهای قهرآمیز در راستای مقابله با احزاب شده و به این ترتیب هر دو از ایفای کارکردهای مثبتشان بازمانده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۲۲) و در ایران دولت‌ها

۱. احزاب مردم، ملیون، ایران نوین و رستاخیز

همواره احزاب را به واسطه آنکه تهدیدکننده قدرت آن‌ها می‌باشد، تحمل نکرده‌اند. این نابرداری هم به علت فقدان تجربه و تمرین دموکراسی و نیز به علت سنت توزیع متعادل قدرت در عرصه سیاسی ایران است (سلامتی، ۱۳۸۵: ص ۷۷).

۴-۲-۳. ضعف احزاب: در بسیاری از موارد رفتارهای گروهی و حزبی از آنجا که مبتنی بر ضعف تحلیل و آشنایی با قواعد بازی است، به بروز نابسامانی در جامعه منتهی می‌شود. افتخاری در کتابی با عنوان «درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی»، به بی‌تجربگی سیاسی احزاب در ایران تأکید داشته و به این بیان هجاریان اشاره می‌کند که قریب به اتفاق جزئیات سیاسی کشور، فاقد حداقل‌هایی از تجربه سیاسی هستند و به همین دلیل سنجیدگی و پختگی لازم در رفتار سیاسی احزاب به ندرت دیده می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۲۱۱-۲۱۲).

۴-۲-۴. نخبگان سیاسی وابسته: نخبگان سیاسی نقش مهمی در کیفیت عملکرد احزاب و گروه‌های سیاسی در طول تاریخ ایران داشته‌اند. از مشروطه تاکنون، گرایش نخبگان به روایت‌های اقتدارگرا از دموکراسی و احزاب سیاسی و گرایش آنان به الگوهای حزبی اقتدارگرایانه فراماسونری و کمونیستی، بدون شناخت درست آنها، شیفتگی نخبگان عرف‌گرا و غیردینی به بیگانگان، درک سطحی آنان از غرب و تحولات جوامع غربی و تقلید و اقتباس سطحی و غیرعالمانه آنها از الگوهای غربی، فقدان تعلقات ملی عمیق و مستحکم در میان نخبگان ایران و احزاب سیاسی و عدم توجه عمیق و اهتمام کافی آنان، به خصوص نخبگان عرف‌گرا به استقلال ملی، انزوای احزاب در میان مردم بر اثر فعالیت‌های ماجراجویانه پنهانی از جمله رفتارهای نخبگان سیاسی این کشور است که به دور از سنجیدگی، خود عنصر کلیدی در عمر کوتاه و عدم نهادینه شدن احزاب و فعالیت‌های حزبی بوده‌اند (امین‌زاده، ۱۳۸۷: ص ۴۵).

۴-۲-۴. عوامل اقتصادی

۴-۲-۴-۱. اتکاء بر رانت نفت: اتکاء بر درآمدهای نفتی باعث می‌شود که نظام سیاسی خود را ملزم به کسب موافقت و رضایت گروه‌های سیاسی نکرده و بالتبع چون به جامعه وابسته نیست، معمولاً نقشی برای گروه‌ها و تشکّل‌ها و نهادهای برآمده از آن نیز قائل نیست و حتی به تشکیل گروه‌های تحت حمایت و وابسته به خویش اقدام می‌کند، مانند آنچه در دوره پهلوی سبب شکل‌گیری یک دولت مطلق‌النعان و خودکامه گردید. در دوره پس از انقلاب اسلامی تاکنون نیز به‌رغم فاصله گرفتن از فضای استبدادی، اما به دلیل تداوم اتکاء بر رانت نفت، تضعیف بخش خصوصی تداوم یافته و ما شاهد یک جامعه مدنی ضعیف و عملکرد ضعیف‌تر احزاب سیاسی هستیم (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷: ص ۱۹۵-۱۹۶).

۴-۲-۲. **عدم رشد سرمایه‌داری:** چه در دوره پهلوی و چه پس از وقوع انقلاب اسلامی، با انجام اقداماتی از قبیل ایجاد انحصار در مورد منابع مهم اقتصادی و خارج کردن آنها از دایره رقابت، ایجاد هزینه‌های غیرمولد، تسلط ملاحظاتی سیاسی بر ملاحظات اقتصادی و غیره، مانع از توسعه عقلانی اقتصادی سرمایه‌داری ملی شده و خود مانع عمده‌ای بر سر راه گسترش مشارکت و رقابت سیاسی بوده است (بشیریه، ۱۳۹۵: ص ۱۲۰).

۴-۲-۳. **فقدان منابع مالی:** یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های احزاب، نحوه تأمین منابع مالی و هزینه‌های سرسام‌آور این تشکیلات است. پرداخت حق عضویت توسط اعضا در تمام دنیا یکی از مهم‌ترین و سالم‌ترین منابع درآمدی احزاب سیاسی است. از آنجا که احزاب رسمی اندکی در ایران وجود دارد، عملاً از این منبع درآمد نیز محروم هستند. به دلیل ضعف فرهنگ حزبی و دیگر دلایل پیش گفته، کمک‌های داوطلبانه مردمی نیز عملاً وجود ندارد، و شعب حزبی بسیار محدود است. عملاً فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی بسیار کمی صورت می‌گیرد و به طور خلاصه فعالیت احزاب به دوران انتخابات محدود می‌شود. حتی در دوره فعالیت‌های انتخاباتی نیز توان مالی ضعیف احزاب از یک‌سو و سنگین بودن هزینه تبلیغات از سوی دیگر باعث می‌شود که منابع مالی تبلیغات احزاب و کاندیداها به شدت غیرشفاف شود و احزاب برای این امور به کانون‌های قدرت و ثروت یا در بعضی از موارد منابع عمومی متوسل شوند (دلفروز، ۱۳۹۳: ص ۲۶).

۴-۲-۳. عوامل اجتماعی - فرهنگی

۴-۲-۳-۱. **ضعف ساختار اجتماعی:** ساختار فرهنگی جامعه ایرانی، متأثر از سلطه دیرپای استبداد، حاکمیت مطلقه فردی و آموزه‌های سنتی مبتنی بر مطلق‌گرایی، تقسیم مقولات به خیر و شر، سیاه و سفید و صفر و صد نگرستن به افراد، افکار و اعمال بوده است که با تشدید فضای بدبینی و روح فردگرایی، در مابینت با نسبی‌گرایی، تسامح و مدارا در راستای برخورد مسالمت‌آمیز سیاسی و حزبی به شدت تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این خصلت‌های عشیره‌ای و خویشاوندسالاری احزاب حاضر نیز مانع از رشد ضابطه‌گرایی و شایسته‌سالاری و کسب توفیق لازم برای این نهادها شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ص ۲۴۰-۲۴۱).

۴-۲-۳-۲. **آموزه‌های دینی:** مسأله غصبی بودن حکومت در نزد شیعیان و کناره‌گیری تاریخی علما و روحانیون شیعه یا حذف آنان از عرصه سیاست در گذر زمان، موجب نزدیکی آنان به مردم شد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ص ۲۵۰). با توجه به کار ویژه‌های احزاب، می‌توان گفت که اعتقادات دینی و جریانات وابسته به آن مانند مساجد، مدارس علمیه، و دستگاه روحانیت در ایران کارکردهایی شبیه احزاب را عهده‌دار شده‌اند که همین موضوع خود در عدم نهادینه شدن فعالیت حزبی در ایران مؤثر بوده است و اساساً نیاز به وجود احزاب

سیاسی کمتر حس شده و این اعتقادات مذهبی بوده که مردم را به عرصه مشارکت سیاسی کشانده است (تبریزینیا، ۱۳۷۷: ص ۱۵۲). از سوی دیگر، دیانت اسلامی، تکثرگرایی سیاسی را که مبتنی بر اصول، عقاید و شریعت اسلامی است، می‌پذیرد. در این چارچوب، احزاب سیاسی به حاکمیت خداوند اعتقاد داشته، ملتزم به عدم مخالفت احکام سیاسی با منابع دینی، نصوص و سنن می‌باشند (فیرحی، ۱۳۹۳: ص ۶۹). بر همین اساس، در چارچوب، نظام سیاسی حاضر، احزاب و گروه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: موافق اسلام و نظام، مخالف اسلام و نظام. اصل ۲۶ قانون اساسی، نظام تک‌حزبی را به طور ضمنی نفی کرده است.

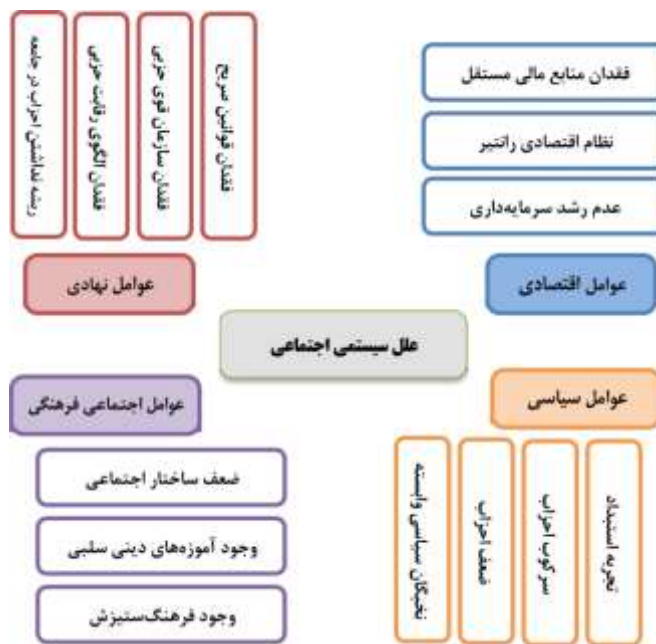
۴-۲-۳. وجود فرهنگ ستیزش: ثمره حاکمیت این فرهنگ، گسترش بیش از حد خشونت در عرصه اجتماعی است. افزایش خشونت از سوی احزاب، سرکوب خشونت‌بار آنها از سوی دولت‌ها را در پی دارد و این سرکوب نیز موجب ظهور گروه‌های مسلح و در نتیجه باز هم خشونت بیشتر می‌گردد. این فرایند که عدم پیشرفت در روند فعالیت‌های حزبی را به بار می‌آورد، موجب یأس و سرخوردگی نیروهای سیاسی شده و حاصلی جز کاهش میل عمومی به حضور در عرصه‌های سیاسی را در پی نخواهد داشت (سلامتی، ۱۳۸۵: ص ۷۶).

۴-۳-۲-۴. ضعف فرهنگ مشارکت: فعالیت حزبی و پایداری آن نمی‌تواند با روحیه‌های انزوای طلب، تک‌روانه و ستیزه‌جویانه، سنخیت داشته باشد. فرهنگ حزبی نوع خاصی از فرهنگ اجتماعی را طلب می‌کند (تبریزینیا، ۱۳۷۷: ص ۱۵۱). علاوه بر این، حاکم بودن روحیه فردگرایی بر رفتار اجتماعی و سیاسی ایرانیان به جای مشارکت، تولد مقطعی احزاب، ناامیدی و یأس نخبگان ایران از مشارکت در قدرت سیاسی از طریق قانونی به دلایل داخلی و خارجی، بی‌ثباتی سیاسی کشور و عدم اطمینان به آینده، همراه با بسیاری عوامل دیگر باعث شده منطبق حاکم بر رفتار احزاب در تاریخ معاصر ایران، حاصل بازی جمع صفر باشد (مسعودنیا، ۱۳۸۲: ص ۱۴۷). بنابراین، می‌توان گفت که یکی از علل عدم نهادینه شدن و بالتبع ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، در فقدان این عناصر اجتماعی-فرهنگی است.

۴-۲-۴. عوامل نهادی

از دوران پس از انقلاب تاکنون، مسأله فقدان نهادینگی احزاب به اشکال متنوعی خود را به نمایش گذاشته است. از جمله، ابهام، نقض و عدم اجرای قانون جرائم سیاسی، تعدد و تغییر و ناپایداری قوانین انتخاباتی (پاگیری و فعالیت‌های نظام حزبی را با موانع جدی روبرو می‌سازد)، ضعف نظام انتخاباتی کشور (نه اکثریتی است، نه تناسبی؛ همین موضوع در کیفیت آرایش سیاسی احزاب در هنگام برگزاری انتخابات و پس از آن تأثیر قطعی دارد) و... (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸: ص ۲۱۴-۲۲۳). علاوه بر این، برحسب میزان قدرت سازمان حزبی، نظام حزبی در ایران از نهادینگی بسیار پایینی برخوردار است. اول اینکه این احزاب منابع

انسانی بسیار ضعیفی دارند و میزان گرایش مردم به عضویت رسمی احزاب در حد صفر است. بنابراین، اگر یکی از عناصر سازماندهی در تحزب را سازماندهی اعضاء و هواداران در نظر بگیریم، در ایران سازماندهی اعضاء به دلیل کم بودن آنها، چندان موضوعیت ندارد. تعداد کم اعضای رسمی احزاب در ایران، بر دومین مؤلفه قدرت سازمان حزبی، یعنی منابع مالی نیز تأثیر می‌گذارد. از دیگر مؤلفه‌های قدرت سازمان حزبی، ارجحیت حزب بر شخص است، در حالی که در ایران احزاب عمدتاً به شدت شخص محورند و از آنجا که احزاب، اعضای رسمی چندان ندارند که فشار مطالبات اعضای عادی را بر خود احساس کنند، تمامی تصمیمات خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها در چند عضو محدود خلاصه می‌شود و درست به همین دلیل، دیگر مؤلفه‌های قدرت سازمانی حزب، یعنی نهادینگی رویه‌های اداره امور، تعیین رهبر و جانشین وی نیز عمدتاً حالت شخصی به خود می‌گیرد. از جنبه‌ای دیگر، قدرت احزاب، عمدتاً در رابطه با انتخابات حزبی معنا می‌یابد؛ در حالی که در ایران همانطور که در بخش قبلی اشاره شد، انتخابات، اساساً حزبی نیست. به این ترتیب، در ایران حزبی نبودن انتخابات و کوچک بودن مقیاس احزاب از یک سو و ضعف سازمان حزبی از سوی دیگر، به طور مداوم یکدیگر را بازتولید می‌کنند (دلفروز، ۱۳۹۳: ص ۲۵-۲۹).



شکل ۴- عوامل و شاخص‌های تأثیرگذار بر فعالیت حزبی در لایه سیستمی

۴-۳. لایه جهان‌بینی و گفتمان

در قسمت روش‌شناسی پژوهش توضیح داده شد که در لایه سوم روش تحلیل لایه علت‌ها، گفتمان‌ها، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های متنوعی که در جامعه وجود دارد، باعث ارائه توصیفات متنوع و البته عمیقی از مسئله مورد تأکید در لایه لیتانی می‌شوند. به بیان بهتر، وظیفه لایه سوم این است که با تبیین و موشکافی جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌های غالب پیرامون مسئله، چرایی بروز چالش‌های مختلف در لایه‌های دوم و اول را تحلیل نماید. با این مقدمه، در تحلیل کژکارکردی احزاب سیاسی در ایران از آغاز تاکنون، لایه فعلی، گفتمان مسلط موسوم به گفتمان استبدادی-استعماری را برجسته می‌سازد. با این تحلیل که، دورنمای تشکیل حزب و انجام فعالیت حزبی، میراث عصر استعمار و نفوذ بیگانگان در دستگاه حکومت است مخصوصاً از مشروطه با شکل‌گیری مجلس، جهت تأمین منافع انگلیس و روس و دیگر دولت‌های استعمارگر، سازوکارهایی تحت عنوان حزب شکل داده‌اند. از طرفی در شرایطی که جامعه توسط حکومت‌های استبدادی اداره می‌شد، در درجه اول امکان و فضایی برای فعالیت و مشارکت سیاسی چه در قالب فردی و چه در قالب جمعی و سازمان‌یافته (حزب) کاری عبث و چه بسا با عواقب خطرناکی همراه بود (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ص ۱۸۱).

۴-۴. اسطوره‌ها، استعاره‌ها، نشانه و نظام معنایی

در لایه چهارم، طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی شکل‌دهنده به مسئله مورد توجه در لایه اول (لیتانی) بررسی می‌شوند. طرح‌واره‌ها و تصاویری که ریشه عمیقی در افکار، عقاید و احساسات فرد فرد جامعه دارند. در ارتباط با تحلیل این لایه از علل کژکارکردی احزاب سیاسی کشور، با بررسی منابع مرتبط، موارد ذیل برجسته شده‌اند. در این تحلیل‌ها چنین آمده است که به عنوان مثال، وقتی ادبیات نخبگان درگیر مباحثی مانند جبر و تقدیرگرایی، سرسپردگی و بایستگی اقتدار و خودمداری است، ادبیات عامیانه^۱ نیز که برآمد ذهن مردمان است، از این قاعده برکنار نیست. به عبارت بهتر، در جامعه‌ای که توسط حکومت‌های استبدادی، که شاه را دارای مشروعیت الهی قلمداد می‌کرده‌اند، فرهنگ حاکم بر جامعه نیز، گفتمان مذکور را بازتولید کرده است. مثل‌هایی مانند:

- شاه عادل، سایه خداست،

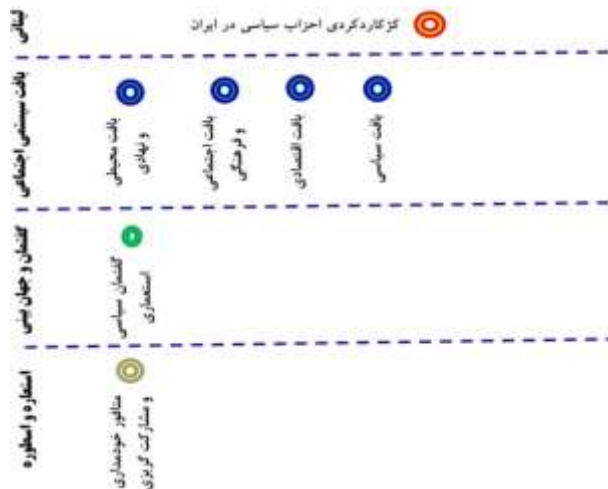
- حاکم، خدای مردم روی زمین است،

۱. مثل‌ها برگرفته از «فرهنگ امثال الحکم» دهخدا است.

- دولت خدادادی را زوال نباشد،
 - تخت را من می دهم، بخت را خدا بدهد.
 - هرکسی کار خودش، بار خودش، آتیش به انبار خودش،
 - هرکسی سنگ خودش را به سینه می زند،
 - هرکسی تیشه برای خویش می زند،
 - هرکی به فکر خویشه، کوسه به فکر ریشه،
 - و... (حسینی مقدم، ۱۳۹۰: ص ۱۵۲).
- به خوبی نشان می دهد که در فضای خودکامگی، پندواندازها و بالتبع طرح‌واره‌ها و تصاویر ذهنی افراد نیز پیرامون خودمحوری شکل گرفته است. مثل‌هایی مانند:
- گلیم خودت را از آب بیرون بکش،
 - اگر بابا بیل زنی، باغچه خودت را بیل بزنی،
 - از آسیاب که بیرون رفتی، با سنگ آسیاب چه کار داری؟
 - و... .
- متعاقباً در چنین فضایی، در درجه اول امکانی برای فعالیت و مشارکت سیاسی چه در قالب فردی و چه در قالب جمعی و سازمان‌یافته (حزب) کاری عبث بوده و چه بسا با عواقب خطرناکی همراه بود. مثل‌هایی از قبیل:
- آشپز که دوتا شد، آش یا شور میشه یا بی نمک،
 - خانه‌ای را که دو بانوست، خاک تا زانوست،
 - ماما که دوتا شد، سر بچه کج بیرون میاد،
 - ده که دو تا کدخدا داره، کار و بارش صدا داره،
 - آب انبار شلوغ، کوزه بسیار می شکند،
 - دیگ شراکت به جوش نمی آید،
 - و... در این زمینه برجسته هستند. همچنین نشانه‌های ترس، سرخوردگی و دست به عصا زیستن در جامعه استبدادی در اینگونه امثال به خوبی مشخص است:
 - خدمت سلطان بیم و امید است،
 - دولت بر سر آدم بیاید، آدم بر سر دولت نرود،
 - و... . ناگفته پیداست که در بسیاری از موارد، معنای فتنه، هرگونه مخالفت و انتقاد عامه مردم بوده است،

فتنه خفته را نباید جنبانید، فتنه‌ها در عالم از تیغ زبان پیدا شود (باقری و امینی، ۱۳۹۴: ص ۳۴).
 به‌علاوه، در جامعه استبدادی با برآورده شدن منافع شخصی، نه تنها کوشندگی انسان از میان می‌رود، بلکه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نوع‌دوستی نیز نادیده انگاشته می‌شود (پورعظیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۸۱).
 مثل‌هایی مانند:

- من شدم از دنیا به در، دنیا شود زیر و زبر،
- پس از ما گو جهان را آب گیرد.
- کال به ما رسیده، به ز پخته به ما نرسیده،
- و... از سوی دیگر، فردیت که باور داشتن حق، شأن و حضور یک‌یک افراد جامعه است و دو اصل خرد و آزادی پایه و مایه این گرایش به انسان بوده است، با وجود استبداد نادیده گرفته شده و به این ترتیب همه انسان‌ها را به هیئت رمه‌ای درمی‌آورد که باید پیرو صرف شبان باشند (پورعظیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۸۹):
- خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو،
- ره چنان رو که ره‌روان رفتند،
- رفتم شهر کورها، دیدم همه کور، من هم کور
- و... در مجموع می‌توان سطوح عمودی در ارتباط مسأله مورد نظر پژوهش را با توجه به داده‌های گردآوری شده، به ترتیب ذیل ترسیم نمود:



شکل ۵- وضعیت لایه‌های فعالیت حزبی در سطح عمودی

حال در بحث کیفیت عوامل مؤثر بر فعالیت احزاب در ایران، لازم است تا در بُعد افقی، به بررسی دیدگاه‌های مطرح درباره صورت مسأله، راه‌حل آن و مسئول حل آن پرداخته شود که در جدول شماره (۱) نمایش داده شده است.

جدول ۱- سطوح افقی تحلیل لایه‌ای علت‌ها در موضوع احزاب سیاسی

لایه	مسأله	راه‌حل	مسئول حل مسأله	ابزار
ملموس یا لیتانی	عدم کارآمدی فعالیت احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	تثبیت الگوی رقابت حزبی	مجلس - دولت	صدا و سیمای ملی
نظام‌های اجتماعی	ریشه نداشتن احزاب در جامعه	تحول در الگو و سازمان حزبی	مجلس، دولت، کنشگران غیردولتی، نظام آموزش عالی	صدا و سیمای ملی، رسانه‌های تخصصی، اندیشکده‌ها
جهان‌بینی	فقدان مشروعیت احزاب و انتخابات در جامعه	تقویت فرهنگ مشارکت و جمع‌گرایی	دولت، نهادهای مدنی، نظام آموزش و پرورش	رسانه‌های جمعی، شبکه‌های اجتماعی، کتب
اسطوره و استعاره	بیگانگی ذهنی - فکری جامعه با تحزب	طرح روایت‌های بدیل	نویسندگان، فیلسوفان و گروه‌های حاشیه‌ای	فعالیت هنرمندان و ارائه چشم‌اندازها

براساس روش تحلیل لایه علیّی مقوله تحزب در ایران، عواملی که در چهار سطح لیتانی، نظام‌های اجتماعی، جهان‌بینی یا گفتمان و اسطوره و استعاره بر مسأله فعالیت حزبی در ایران تأثیرگذار بودند، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفتند. در جدول (۱) راه‌حل‌هایی در راستای بهبود وضعیت فعالیت حزبی در ایران نمایش داده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

احزاب سیاسی به طور معمول این روزها به عنوان تنها مکانیسم موفقیت‌تلقی می‌شوند که تضمین می‌کنند نهادهای دموکراتیک بتوانند در دولت فعالیت داشته باشند. در حالی که توافقی کلی درباره اجتناب‌ناپذیری حضور احزاب در دموکراسی‌های مدرن وجود دارد، این توافق مجموعه متنوعی از انتظارات مختلف درباره نقش واقعی احزاب را نیز در برمی‌گیرد. در یک سوی طیف، رهبران سیاسی درگیر نبردی رقابتی بر سر رأی مردم هستند. نبردی که به رأی‌دهندگان اجازه می‌دهد افرادی که قرار است بر آنها حکومت کنند، انتخاب نمایند. در سوی دیگر طیف مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و کارکردها هستند که قرار است احزاب انجام دهند. به عنوان مثال کارویژه‌های آموزشی و اجتماعی و کسب قدرت (از طریق شرکت در انتخابات‌های مختلف) و غیره، تا مشخص شود که احزاب برای تأیید سیاست‌های دولت از سوی اکثریت مردم، چه کاری باید انجام دهند. در واقع نیابت ماهوی از سوی مردم - زندگی تحت قانون انتخاب اکثریت شهروندان - یک آرمان دموکراتیک است

و حکومت حزبی، وسیله‌ای برای این هدف شمرده می‌شود. احزاب که در مغرب‌زمین تولد و نشو و نما یافتند، در گذر تاریخ و با آغاز مشروطه و شکل‌گیری مجلس، در ایران ظاهر شدند. اما این نهاد دموکراتیک در بستر استبداد حاکم در دوره پهلوی اول و دوم، با موانع بسیاری در برابر فعالیت آزادانه خود مواجه شد و با فراز و فرودهای متاثر از استبداد داخلی و شرایط بین‌المللی، رونق خود را بیش از پیش از دست داد. در نهایت با پیروزی انقلاب اسلامی، فصل نوینی از فعالیت احزاب در کشور آغاز شد؛ فصلی که امید می‌رفت با رد چالش‌های دوره‌های پیشین، امکانات بیشتری برای فعالیت حزبی فراهم آورد. اما بروز جنگ ۸ ساله و ضرورت بازسازی کشور پس از آن، به مدت ۲۰ سال فعالیت‌های حزبی را به محاق برد. بلاخره در اواخر دهه ۷۰ بود که فرصتی فراهم شد تا احزاب و گروه‌های سیاسی، نقش فعالی در عرصه سیاسی - اجتماعی کشور ایفا نمایند و به شکل منسجم‌تر و سازمان‌یافته‌تری در جهت پیگیری مطالبات خود فعالیت کنند. اما عملکرد این پدیده مهم سیاسی در سده اخیر و در حال حاضر پاسخگوی فلسفه ماهوی این نهاد دموکراتیک نبوده است. با مرور آثار پژوهندگان سیاسی که در پی تبیین علل این ناکارآمدی، علل مختلفی را در حوزه سیاسی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی، برای این معضل برشمرده‌اند، در پژوهش حاضر تلاش شد تا با کاربست روشی نوین، موسوم به تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به نحوی مستند و از زاویه‌ای جدید، به تعمیق و ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر فعالیت حزبی در ایران پرداخته شود. کاربست روش تحلیل لایه‌ای علی موجب شد تا با حرکت به عمق لایه‌های مرتبط با مسأله مورد نظر، موضوع و ابعاد آن بیشتر شکافته شود. در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، به دو بعد افقی و عمودی در تحلیل موضوع توجه می‌شود. به این ترتیب که در بعد افقی به بررسی تفاوت دیدگاه‌ها درباره صورت مسأله، راه‌حل آن و مسئول حل آن پرداخته شده و در بعد عمودی ریشه‌های عمیق هر یک از دیدگاه‌ها بررسی می‌گردد. در ارتباط با مقوله تحزب و عوامل مؤثر بر فعالیت آن در ایران از آغاز تاکنون، آنچه به وضوح مشاهده شد، این بود که چه در بعد ذهنی و شناختی و چه در ابعاد عینی و ملموس (سطوح عمودی)، نقاط کور فراوانی نمایان شدند. تثبیت الگوی رقابت حزبی، تحول در الگو و سازمان حزبی، تقویت فرهنگ مشارکت و جمع‌گرایی و طرح روایت‌های بدیل، از جمله راه‌حل‌هایی بودند که می‌توانند تحت توجه هیئت حاکمه و همچنین فعالان عرصه تحزب، در بلندمدت در مسیر بهبود و ارتقاء کیفی فعالیت‌های حزبی در کشور نقش‌آفرین باشند؛ بحثی که در قالب سطوح افقی لایه‌های فعالیت حزبی در ایران نمایش داده شد. در نهایت، باید گفت که هر یک از راه‌حل‌ها و مصادیق ارائه شده به عنوان ابزارهای کلیدی حل مسائل در لایه‌های چهارگانه، نیاز به تلاش جمعی و اجماع فکری حداکثری میان نخبگان سیاسی و مسئولان کشور در حوزه‌های متنوع و متعدد نظام اجتماعی دارد.

این پژوهش حاضر با کاربری روش تحلیل علی در تلاش برای بازگشایی روزنه‌ای به سوی مطالعات مربوط به آینده‌های پیش‌روی مقوله تحزب در کشور بود؛ به این ترتیب که براساس دو لایه جهانی‌بینی و اسطوره (سطوح تحتانی) به عنوان دو پیش‌ران عمده که در کیفیت فعالیت احزاب در آینده موثر هستند، بدیل‌های مربوط به آینده تحزب را در هر لایه برشمرده و مورد بررسی قرار می‌دهد؛ مرحله‌ای که از حوصله پژوهش حاضر خارج بوده و باید در پژوهشی مستقل واکاوی شود.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۷). کالبدشکافی تحزب در ایران. *زمانه*، شماره ۷۸: صص ۳۴-۴۱.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی*. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- امین‌زاده، محسن (۱۳۸۷). ظهور احزاب سیاسی در عصر مشروطیت در ایران. *فرهنگ*، شماره ۶۷: صص ۱-۵۴.
- باقری، بهادر؛ امینی، سادینا (۱۳۹۴). حکومت و سیاست در آیینۀ ضرب‌المثل‌های فارسی. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۶(۱): صص ۲۵-۴۳.
- بشیری، حسین (۱۳۹۵). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: انتشارات گام نو.
- پورعظیمی، سعید؛ قهرمانی، مصطفی (۱۳۹۱). پیش‌زمینه‌های استبدادپذیری در امثال فارسی. *تقد ادبی*، ۵(۲۰): صص ۷۳-۹۸.
- تبریزیا، حسین (۱۳۷۷). *برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران*. مشهد: نشر سیاوش.
- حسینی مقدم، محمد (۱۳۹۰). کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه‌لایه علت‌ها. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۳: صص ۱۶۹-۱۸۸.
- حسینی مقدم، محمد؛ صنیع اجلال، مریم (۱۳۹۱). همگرایی جهان اسلام و آیندۀ تمدن اسلامی. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱(۳).
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). *شاخص‌های نظام حزبی مطلوب در ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- دورژ، موریس (۱۳۵۷). *احزاب سیاسی*. ترجمه رضا علومی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سلامتی، محمدمسعود (۱۳۸۵). *آسیب‌شناسی تشکیلات احزاب در ایران: بررسی موردی حزب توده*. جبهه ملی و فداییان اسلام. تهران: نشر پایان.
- صارمی شهاب، اصغر (۱۳۷۸). *احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *مشارکت سیاسی*. تهران: نشر سفیر.
- فیرحی، داود (۱۳۹۳). *فقه و حکمرانی حزبی*. تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۰). *دولت و جامعه در ایران*. سقوط قاجار و استقرار پهلوی. تهران: نشر مرکز.
- کشاورز ترک، عین‌الله (۱۳۹۱). بررسی عوامل و روندهای موثر در انگیزه خدمات داوطلبانه امدادگران با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها. *امداد و نجات*، ۴(۳).
- محمدی‌نژاد، حسن (۱۳۵۵). *احزاب سیاسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مسعودنیا، حسین (۱۳۸۲). *درآمدی بر چالش‌های تحزب و پیامدهای آن در ایران*. راهبرد، شماره ۲۹: صص ۱۳۸-۱۵۰.
- ناظری، محمدرضا (۱۳۸۲). *شناسنامه احزاب سیاسی ایران*. تهران: انتشارات پارسیان.
- نقیب‌زاده، احمد؛ سلیمانی، غلامعلی (۱۳۸۸). *نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران*. سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴: صص ۳۴۷-۳۶۷.

نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۰). تاریخ احزاب سیاسی در ایران. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

- Dator, J. (2002). *Theories, Methods and Approaches to Teaching Futures Studies: A backward glance, Keynote speech, Tamkang University*. In: International Conference on Teaching Futures Studies.
- Inayatullah, S. (2004). *The Causal Layered Analysis Reader*. Tamkang University Press.
- Inayatullah, S. (2007). *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*. Tamkang University Press: Graduate Institute of Futures Studies.
- Inayatullah, S. (2008). Six pillars: futures thinking for transforming. *Foresight*, 10(1): p.4-21.